

۱ ..... زندگی نامه دکتر مصدق

۱ ..... مصدق در کنار مشروطه خواهان.....

۲ ..... دکتر مصدق که بود؟.....

۲ ..... مردی به نام مصدق.....

۴ ..... قسمتی از نامه دکتر مصدق به ماکسیموف.....

۴ ..... نخستین سخنرانی مصدق در حزب میهن.....

۴ ..... دولت حسین اعلا.....

۵ ..... آغاز مجاهدت برای اجرای قانون ملی شدن نفت.....

۶ ..... نظر دولت انگلیس درباره نخست وزیری مصدق.....

۷ ..... استقرار هیئت خلع ید.....

۸ ..... مذاکره جاکسون با دولت ایران.....

۹ ..... پیام مهم دکتر مصدق به ملت ایران.....

۱۰ ..... اجرای مرحله دوم خلع ید.....

۱۱ ..... تهدیدهای نظامی و قضایی انگلیس.....

۱۳ ..... مامور ایرانی که همراه هیئت خلع ید امور.....

۱۴ ..... اختلاف بازرگان و حسین مکی.....

۱۴ ..... جلوگیری از صدور نفت ایران.....

اقتصاد بدون نفت ..... ۱۵

قرضه ملی ..... ۱۵

اصلاحات کشاو اقتصادی ، مالی ، فرهنگی ..... ۱۶

اصلاحات کشاورزی و عمرانی ..... ۱۶

توسعه اقتصادی ..... ۱۷

اصلاحات مالی ..... ۱۹

آموزش و پرورش ..... ۱۹

پایان مصدق ..... ۲۰

وصیت دکتر مصدق در آخرین لحظات حیات ..... ۲۱

### زندگینامه دکتر مصدق

دکتر محمد مصدق در روز ۲۹ اردیبهشت ماه سال ۱۲۶۱ هجری شمسی در تهران متولد شد . پدرش میرزا هدایت آشتیانی وزیر دفتر استیفا در دوران ناصری و از رجال تجدد طلب و پیروان میرزا تقی خان امیرکبیر و مادرش ملک تاج خانم نجم السلطنه<sup>۱</sup> بنیانگذار بیمارستان نجمیه تهران و از نوادگان عباس میرزا<sup>۲</sup> ولیعهد قاجار بود .

پس از انجام تحصیلات معمول در آن زمان ، چند سال پس از مرگ پدرش که به سال ۱۲۷۱ هجری شمسی اتفاق افتاد در عنفوان جوانی تصدی استیفای خراسان به وی محول گردید . ( متصدیان استیفا یا مستوفیان ایالات و یا ولایات که بنام محل کارشان نامیده میشد . )

### مصدق در کنار مشروطه خواهان

هنگام انقلاب مشروطیت در جرگه آزادیخواهان قرار گرفت و چندی بعد از افتتاح مجلس اول به نمایندگی اصفهان انتخاب شد . اما چون سنش کمتر از سی سال بود - با وجودی که برخی

---

<sup>۱</sup> خانم نجم السلطنه دختر عبدالحسین میرزا فرمانفرما پسر فیروز میرزا ، فرزند عباس میرزا نائب السلطنه درخشانترین چهره خاندان قاجاریه بود .  
<sup>۲</sup> عباس میرزا نایب السلطنه و ولیعهد فتحعلیشاه قاجار ، رشیدترین ، ترقی خواهترین و بزرگترین فرد خاندان قاجار بود . که اگر در سنین جوانی به طرز مرموزی نمی مرد ، ایران را در ردیف نیرومندترین و پیشروترین ممالک خاورمیانه درمی آورد .

کمتر از سی سال داشتند و به مجلس داخل شده بودند - نخواست کرسی وکالت را اشغال نماید .

مصدق روز دهم تیر ماه ۱۲۸۶ در سن ۲۵ سالگی هنگامی که کمی کمتر از یک سال از صدور فرمان مشروطیت و اولین پیروزی انقلاب می گذشت با امضای سوگندنامه عضویت در « جامع آدمیت » در واقع زندگی سیاسی خود را در عصر آزادی شروع نمود و عهد کرد تا شأن و حقوق و شرافت آدمی را در هر مقام ، مادام الحیات حفظ نماید.

پس از شکست آزادی و خاتمه مشروطه اول قهرمان ما ، مدتی متواری و مخفی بود و با وجودی که هر لحظه امکان توقیف و نابودی وی می رفت ، حاضر به شرکت در تحصن

سفارت انگلیس نشد. در اولین فرصت برای تحصیلات عالیهِ رهسپار اروپا شد و نزدیک به دو سال در مدرسه علوم سیاسی پاریس مشغول به تحصیل گردید . بعد به علت بیماری و احتیاج

به استراحت به ایران برگشت و پس از مراجعت به اروپا در یکی از شهرهای سوئیس به نام نوشاتل به تحصیل علم حقوق پرداخت و قبل از جنگ بین الملل اول در علم حقوق دکتری

گرفت و پس از طی دوران کارآموزی موفق به اخذ گواهینامه وکالت دادگستری از کانون وکلای نوشاتل گردید و عازم ایران شد . پس از مراجعت به ایران بنا به دعوت دکتر ولی الله

خان نصر رئیس مدرسه علوم سیاسی با سمت استادی در آن مدرسه به تدریس پرداخت و در همین دوران کتاب دستور در محاکم حقوقی را به منظور کمک به تحول و توسعه قوه قضائیه

نوبنیاد ایران که به همت روشنفکران مشروطه خواه بنیان گذاری شده بود ، برای تدریس در آن

مدرسه نوشت . تازه خبر الغای کاپیتولاسیون در ترکیه به ایران رسیده بود و با وجود آنکه این سیستم استعماری در ایران نیز اجرا می شد ، اکثر مردم از شکل و معنای آن باخبر نبودند . مصدق برای روشن شدن اذهان و آماده کردن زمینه برای الغای کاپیتولاسیون در ایران در مهر ماه ۱۲۹۳ رساله ای به نام کاپیتولاسیون و ایران نوشت و منتشر کرد و خواهان الغای این رژیم استعماری گردید . سپس در جهت توسعه اقتصاد ملی که یکی از اهداف انقلاب مشروطیت بود به تقاضای عده ای از تجار که مایل به فعالیتهای اقتصادی جمعی از طریق تشکیل شرکتهای تجارتی بودند و راهنمایی برای تشکیل شرکت در دسترس نداشتند ، رساله دیگری به نام شرکت سهامی در اروپا منتشر کرد . اکثر اوقات وی به تحقیقات و مطالعات علمی می گذشت و می کوشید تا ثمره تحصیلات خود را به هموطنان عرضه کند و در همین زمینه همراه با شادروان حاج میرزا یحیی دولت آبادی و عده دیگری که در خارج تحصیلاتی کرده بودند به انتشار مجله ای به نام مجله علمی مبادرت کرد که بیش از ۱۵ شماره آن منتشر نشد . در سال ۱۲۹۶ مصدق معاون وزارت مالیه و رئیس اداره کل محاسبات شد تا سال ۱۲۹۷ به عنوان معاونت وزارت مالیه باقی ماند .

#### دکتر مصدق که بود ؟

همان مردی بود که وقتی به مقام نخست وزیری رسید و بر سریر قدرت جا گرفت ، تصمیم گرفت که آرزوی دیرین ملت ایران را در طرد استعمار حيله گر و کهنه کار انگلیس جامه عمل

پیوشاند . این فرد بغایت میهن پرست و فرزند شجاع و شایسته و وفادار ملت ایران که مزاج و بنیه ای ضعیف و رنجور ولی اراده ای قوی و پولادین داشت ، انسانی بود در عین قدرت ، متواضع و آزادمنش و به قول خود ، هیچ لذتی را نمی توانست با خط آزادی و عقیده و بیان برابر کند .

او پس از منصوب شدن به نخست وزیری دستور زیر را به شهربانی کل کشور صادر کرد :  
« شهربانی کل کشور ! در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می شود و هر چه نوشته باشند و هر که نوشته به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد ! »  
این عمل دکتر مصدق در عین اقتدار در ذهن خواننده اهل مطالعه و تامل ، عمل بزرگ منشانه و دموکرات مآبانه مقتدرترین امپراتوران پروس یعنی فردریک کبیر تداعی می شود .

### مردی به نام مصدق

سالها آمدند و رفتند ، دوره چهاردهم با نمایندگی دکتر مصدق ( نماینده اول تهران ) و آغاز مبارزه با سیدضیاء آن سیاستمدار سرسپرده انگلیسیها به تصویب رسانیدن طرح عدم سپردن امتیاز نفت شمال به روسها و مخالفت با دادن هر نوع امتیازی به بیگانگان ، جلوگیری از لایحه قیومیت ایران بوسیله کشورهای انگلیس - روسیه - آمریکا ، یا پیمان سه جانبه ، مبارزه قاطع با انتخابات تقلبی دوباره پانزدهم و شانزدهم و پیروزی در این دو امر مهم و در مرحله آخر به تصویب رسانیدن قانون ملی شدن صنعت نفت ایران ، اینها همه از پیروزیها و موفقیتهای

درخشان دکتر مصدق و یاران نزدیک وی حکایت می کرد تا آنکه در روز هفتم اردیبهشت سال ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی متعاقب یک ترفند و زدوبند سیاسی پشت پرده به مصدق تکلیف نخست وزیری میکند و مصدق هم علیرغم انتظارات اکثریت مجلس برای اجرای قانون ملی شدن نفت این تکلیف مهم و عظیم و پرمخاطره را می پذیرد ، هرچند که دربار ، محرمانه سیدضیاءالدین طباطبائی را برای عقیم گذاشتن این قانون به اصطلاح در آب نمک خوابانده بود .

قبول نخست وزیری در آن روزهای بحرانی که هر چند گاه یک نخست وزیر و یا یک دولتمرد مورد نفرت مردم به ضرب طپانچه ای از پای در می آمد ، کار خطیر و فوق العاده مشکلی بود ، ولی مصدق آن خطرات را برای منافع ایران به جان خرید . مرحوم دکتر غلامحسین مصدق ، فرزند مصدق در کتاب « در کنار پدرم ، مصدق » می نویسد :

« در این موقع پدرم ، که از نتیجه امتناع از قبول پست نخست وزیری که منجر به زمامداری سیدضیاءالدین می شد ، آگاه بود و میدانست که این امر کوششهای مردم ایران را در راه ملی کردن صنعت نفت بر باد خواهد داد ، پیشنهاد نخست وزیری را می پذیرد و اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان ، به او رای تمایل می دهند ... »

دکتر غلامحسین مصدق ادامه می دهد :

« من ، پس از شنیدن داستان نخست وزیری پدرم ، نگران شدم و با آشنایی که به وضع مزاجی او داشتم گفتم : پدرجان ! چرا این کار سنگین و طاقت فرسا را قبول کردید ؟ گفت : ناچارم ،

والا ، مبارزه ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت از میان می رفت . اگر سیدضیاء نخست وزیر می شد ، دیگر مجلس نمی ماند تا من بتوانم موضوع را تعقیب کنم ، همه ما را توقیف می کرد ، مملکت را قرق می کرد ، تا کار خودش را به انجام برساند . جمال امامی بلوفی زد و نگرفت ، شاه وقتی قضیه را شنیده بود گفته بود ، قرارمان این نبود ... !

« قبول زمامداری از سوی پدر ، موجب نگرانی خانواده ما گردید و مسئولیت مرا در مراقبتهای پزشکی از او ، افزون ساخت . زندگی پرتلاطم سیاسی وی ، در دوران جوانی ، آسایش و امنیت او و مادرم را مختل ساخته بود . در این رهگذر ، من و برادرم احمد و دیگر کسانمان نیز با دشواریهایی دست به گریبان بوده ایم . »

قسمتی از نامه دکتر مصدق به ماکسیموف سفیر دولت اتحاد شوروی در مورد تحریم امتیاز به بیگانگان :

« ... همینقدر می توانم عرض می کنم که در تمام دوران زندگی خود ، مصلحت ایران را با هیچ چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند ... از هر چیز صرف نظر کردم که با بیدادگری مبارزه کنم ، حبس و تبعید شده و حتی مواجهه با مرگ گردیده ام و تمام مشقات ، به عقاید راسخم نتوانسته است خللی وارد کند ، من ، ایران را دوست دارم ، همانطور که شما کشورتان شوروی را دوست دارید . »

## نخستین سخنرانی مصدق در حزب میهن

حزب میهن که از ائتلاف احزاب میهن پرستان ، استقلال و پیکار با ایدئولوژی و خط مشی سیاسی نوین اقدام به عرصه فعالیت‌های سیاسی نهاده بود از دکتر مصدق دعوت کرد تا در آن حزب ملی به ایراد سخنرانی بپردازد . دکتر مصدق ، که قول داده بود از انزوا بیرون آمده و برای اعضای حزب ما و مردم نطق نماید به حزب آوردیم .

همین که دکتر مصدق در برابر حزب که در خیابان شاه آباد قرار داشت از ماشین پیاده شد ، ناگهان با احساسات پرشور جوانان حزب و مردمی که در مقابل حزب اجتماع کرده بودند ، مواجه گردید .

دقایقی بعد دکتر مصدق که پس از بیست سال به میان مردم آمده بود ، شروع به ایراد سخنرانی کرد و با خشوع و فروتنی خاصی ، خود را فردی خدمتگزار و خادم ملت ایران دانسته و بر این نکته تاکید کرد که در هر زمان و موقع که ملت ایران وجودش را در راه خدمت به مملکت و فداکاری در راه آرمانهای ملی ضروری تشخیص دهد ، آماده این کار خواهد بود . آنگاه مصدق تمایل و اشتیاق قلبی خود را به جوانانی که در مسیر منافع ملی و مصالح مملکت قدم برمی دارند ، ابراز داشت و از خداوند مسئلت نمود به افرادی که به خدمت ایران کمر بسته اند توفیق عنایت فرماید .

## دولت حسین علاء ، دولت محلل دولت دکتر محمد مصدق

پس از ترور رزم آرا ، شاه ، حسین علاء را به نخست وزیری برگزید که برخلاف معمول برای

انتخاب ایشان رای تمایل مجلسین خواسته نشد ، بلکه در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی

رای مخالف یا موافق نسبت به نظر شاه استفسار شد . به همین علت ، مرحوم « محمود نریمان

» نماینده مجلس و عضو جبهه ملی در مخالفت با کیفیت روی کار آمدن علاء اظهار داشت : «

بزرگترین و مهمترین مخالفت من با دولت جناب آقای علاء با آنکه اشخاص خوشنام در این

کابینه زیاد شرکت دارند ، این است که ایشان برخلاف روح و مفاد و اصول قانون اساسی و

مشروطیت ، بدون رعایت سابقه دیرینه و سنت تاریخی رای تمایل مجلس شورای ملی ،

سرکار آمده اند و من از اینرو ایشان را نخست وزیر مملکت مشروطه نمی توانم بشناسم «

علاء از تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۴ در خوزستان حکومت نظامی برقرار کرد .

دولت علاء در نخستین روزهای زمامداری خویش با اعتصاب کارگران شرکت نفت جنوب

مواجه شد .

دولت انگلیس که در انتظار چنین فرصتی بود ، کشتیهای جنگی خود را به آبهای اروندرود

فرستاده و تهدید به مداخله نظامی کرد . اما ، این اعتصاب پس از چند روز با پیروزی کارگران

و استادکاران خاتمه یافت .

در روز ۱۳۳۰/۱/۲۶ کمیسیون مخصوص نفت به ریاست دکتر مصدق یک کمیسیون هفت نفری انتخاب کرد که طرح اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را تنظیم و به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند .

دولتهای انگلیس و آمریکا امیدوار بودند ، پیش از آنکه کار به مرحله اجرای قانون ملی شدن برسد ، راه حل مناسبی برای مسأله نفت پیدا کنند و به همین لحاظ روزنامه آمریکایی تایم نوشت : تصمیم مجلس ایران ، یک روزنه امید باقی می گذارد ، ملی شدن به موقع به گذاشته نمی شود ، مگر بعد از دو ماه ( منظور دو ماه مهلتی است که مجلس شورای ملی در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ به کمیسیون نفت داده بود ) .

اما ، برخلاف انتظار ، روز ۵ اردیبهشت ماه ، کمیسیون نفت طرح نه ماده ای مربوط به اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت را مبنی بر خلع ید از شرکت نفت جنوب یا اکثریت آرا تصویب کرد . عصر همان روز « شپرد » سفیر انگلیس به ملاقات علاء نخست وزیر شتافت و علاء نیز دست به دامان دکتر مصدق شد . لکن ، دکتر مصدق در تصمیم کمیسیون نفت پافشاری کرد و حاضر به عدول از آن نشد .

علاء جریان را به اطلاع شاه رسانید و این ملاقاتها ، طی ۲۴ ساعت بعد از تصمیم کمیسیون ادامه داشت و چون نتیجه ای حاصل نشد ، دولت علاء بر اثر فشار سیاسی انگلستان روز ۱۳۳۰/۲/۶ مستعفی گردید . شاه اصرار داشت که علاء از استعفا منصرف شود ، اما علاء به بهانه این که کمیسیون نفت بدون مشورت با دولت تصمیم به خلع ید گرفته است و در

حقیقت ، شکست در انجام خدمت به ولینعمت خود در واگذاری مجدد منافع نفتی کشور به انگلستان استعفای خود را پس نگرفت .

### آغاز مجاهدت برای اجرای قانون ملی شدن نفت

پس از انتخاب دکتر مصدق به مقام نخست وزیری ایران ، مصدق برنامه ی دو ماده ای خود را به مجلس شورای ملی اعلام داشت و در روز ۲۲ اردیبهشت ، مجلس شورای ملی و سنا ، طبق قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت ، نمایندگان خود را برای تشکیل ( هیات مختلط ) انتخاب کردند .

در روز ۲۴ اردیبهشت ماه ، نخست وزیر ، طی بخشنامه ای انحلال شرکت نفت انگلیس و ایران را به کلیه ادارات و سازمانهای دولتی اعلام کرد .

با تصویب این قانون مهم که به عمر چندین ساله شرکت نفت انگلیس که کانون همه عقب ماندگیها و بدبختیهای همه جانبه ملت و کشور ایران بود پایان می داد و تصمیم قاطع و خدشه

ناپذیر دکتر مصدق برای اجرای آن ، ناگهان موجی هراسناک و نگرانی بس عمیق ، شرکت نفت و دولت انگلستان را فراگرفت . هرچند که انگلیسیها به اتکای قدرت افسانه ای که

در جهان و خاورمیانه داشتند ، موضوع را چندان جدی تلقی نکردند ولی آنها هنوز به درستی حریف قاطع و با اراده خود را نشناخته بودند که چگونه بر سر اجرای قانون همچون کوهی

عظیم ، استوار ایستاده است .

با آنکه هنوز رقابت بین کمپانیهای انگلیسی و کمپانیهای تازه نفس آمریکایی بر سر نفت و مسائل مربوط به سیاست خاورمیانه شدید بود، معذالک در قبال تصمیم به اجرای ملی شدن صنعت نفت ایران که متعاقب آن، خلع ید از شرکت سابق عنوان می شد، علایم و آثار همکاری مشترک علیه اقدامات دولت ایران که زمینه های آن فراهم می شد، میان لندن و واشینگتن آشکار گردید.

در روز ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۳۰ سفیر کبیر انگلیس، تذکاریه ای تسلیم دولت ایران کرد و روز بعد دولت آمریکا نیز بیانیه ای درباره نفت ایران منتشر ساخت. تذکاریه دولت انگلستان از اقدام دولت دکتر مصدق در اجرای ملی کردن نفت به عنوان یک عمل ناروا و نامشروع یاد شده و در آن انگلیس یادآور شده بود که «قرارداد سال ۱۹۳۳ قراردادی<sup>۱</sup> است بین دولت ایران و یک شرکت خارجی که تحت نظر جامعه ملل تنظیم گردیده است بعلاوه قرارداد مزبور به تصویب مجلس شورای ملی هم رسیده و به صورت قانون درآمده. گذشته از این در قرارداد مزبور دو موضوع بسیار اساسی و مهم تصریح شده که بدین قرار است:

- الف - وضعیت شرکت به موجب قرارداد منعقد، هرگز با اقدام دولت شاهنشاهی و یا حتی با وضع قانون تغییر نخواهد یافت ( ماده ۲۱) مگر در نتیجه موافقت دولت ایران و شرکت.
- ب - چنانچه دولت ایران شکایتی علیه شرکت داشته باشد و یا بالعکس و اختلاف را نتوان به نحو دیگری رفع نمود، موضوع باید به حکمیت رجوع شود ( ماده ۲۲) و محکمه حکمیت،

<sup>۱</sup> قرارداد ۱۹۳۳، قرارداد تمدید قبلی شرکت نفت و با جزئی تفاوت در حق الامتیاز و ... در عصر سلطنت رضاشاه منعقد گردید.

باید تحت ریاست حکم ثالثی باشد که از طرف خود حکمها تعیین می شود و در صورت عدم توافق آنها، تعیین او با رئیس دیوان داوری بین المللی در لاهه خواهد بود.

### نظر دولت انگلیس درباره نخست وزیری مصدق

دولت انگلیس، از زمامداری دکتر مصدق که با قانون ملی شدن صنعت نفت و اجرای قاطع و

بی چون و چرای آن وارد صحنه مبارزه با آن دولت شده بود چنین استقبال کرد:

«... ما رابطه مان را فقط با اعلیحضرت برقرار می سازیم» و در اجرای این منظور، سفیر

انگلیس در تهران به حضور شاه رسیده و از وی درخواست کرد که قانون خلع ید را توشیح

نماید. اما مطابق اصل ۴۹ متمم قانون اساسی شاه هیچگاه نمی توانست اجرای قوانین مصوب

مجلس شورای ملی را تعویض و یا توقیف کند، لذا انجام این تقاضا مقدور نشد.

دکتر مصدق در جواب پیام «موریسون» وزیر امور خارجه انگلستان، اعلام داشت که ملت

ایران می خواهد با استفاده از حق حاکمیت ملی، اداره منابع نفت خود را به عهده داشته باشد

و به مشتریهای سابق نفت نیز به نرخ عادلانه بفروشد. ضمناً حاضر است به دعاوی شرکت

سابق هم رسیدگی شود.

استقرار هیأت خلع ید

در روز ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ شمسی ، هیأت خلع ید به اتفاق هیات مدیره موقت شرکت ملی نفت : مهندس مهدی بازرگان به عنوان رئیس - دکتر عبدالحسین علی آبادی استاد دانشگاه و مهندس محمد بیات ، اعضای هیات مدیره شرکت به سوی خرمشهر حرکت کردند تا وظیفه خطیر خلع ید را به انجام برسانند .

قبل از حرکت این گروه ، آقای دکتر شمس الدین امیرعلائی از طرف دکتر مصدق به عنوان استاندار خوزستان و نماینده تام الاختیار دولت در آن استان مهم برگزیده شده بود که در محل ماموریت خویش در اهواز به سر می برد . اعضای هیات مدیره و هیات مختلط مجلسین شورای ملی و مجلس سنا بوسیله ترن فوق العاده به سوی خرمشهر حرکت نمودند و در ایستگاه راه آهن این بندر مورد استقبال شورانگیز و فوق العاده مردم استان خوزستان قرار گرفتند . آنگاه هیات به طرف دفتر مرکزی شرکت سابق نفت به حرکت درآمدند و در برابر دفتر کار در یک قرار گرفتند . رئیس (دریک) از اتاق کارش خارج شد و در حال تعجب و بهت زدگی از هیات ، موضوع ماموریتشان را سوال می نماید . هیات با لحن قاطع به بیان ماموریت خود می پردازد و در همین وقت ابراز احساسات مردم به اوج شدت خود می رسد . مستر دریک و دیگر همکاران انگلیسی او که هر لحظه بر اضطراب و وحشتشان افزوده می شد ، چشم به دهان هیات می دوزند و هیات موقعیت خطیر را برای آنان تشریح نموده و از آنان می خواهد تا موقتا یک اتاق برای دفتر کارشان در اختیارشان بگذارند . این کار به منزله بدست آوردن یک سرپل یا دم گاو بود . انگلیسیها به حکم ترس و نگرانی این خواسته را انجام می

دهند و هیات نیز بلافاصله در اتاق مستقر شده و پرچم سه رنگ ایران را برفراز ساختمان به اهتزاز درمی آورند .

ولی مستر دریک که ابا نمی خواست خود را با ملی شدن صنعت نفت و اجرای قانون آن

آشنا نماید و شرکت نفت را چیزی جدا از دولت و کشور ایران می دانست ، به هیات مختلط

و هیات مدیره اعلام می نماید که : ما آقایان را به عنوان مهمان پذیرفته ایم و لاغیر ! ولی هیات

پس از چند روز توقف در دفتر مرکزی به رئیس مغرور و متفرعن انگلیسی شرکت سابق

گوشزد می نماید که مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از آنها است و

قدمهای اول را نیز در این راه برداشته اند و اگر شما و دیگر همکارانتان تمایل به همکاری با

هیات ایرانی دارید ، می توانید در شرکت ملی نفت ایران خدمت کنید و اگر هم مایل نیستید ،

می توانید بروید و کاملاً آزاد هستید .

مستر دریک که همچنان خود را نسبت به قانونی که از مجلس ایران گذشته بود بی اعتنا نشان

می داد ، زیر بار این پیشنهاد نمی رود و هیات نیز ناگزیر از همان دفتر کار خود ، نامه ای

خطاب به وی نگاشته و ایشان را مستعفی قلمداد می نماید . دریک با خشم و عصبانیت می

گوید : من از خرمشهر به بندر بصره خواهم رفت و از همانجا امور شرکت را زیر نظر می گیرم

!

دریک همانطور که گفته بود به بصره رفته و از آنجا شروع به تحریکاتی علیه هیات خلع ید

می نماید و وقتی می بیند که کار تحریکات و توطئه هایش که البته به کمک بعضی از

گماشتگان ایرانی خودفروخته به انگلیسیها، در شرکت به جایی نمی رسد، ناچار از عراق به کشور خود یعنی انگلستان باز می گردد.

به هر تقدیر هیات مدیره وقت به ریاست بازرگان امور شرکت را به دست می گیرند و به این ترتیب گام اصلی و مهم در راه خلع ید از شرکت غاصب نفت جنوب که متجاوز از شصت سال حقوق ملت ایران را به تاراج می برد و از طریق همان شرکت در امور ایران مداخله می کرد، به دست ایرانیان، یعنی صاحبان اصلی خود می افتد.

#### مذاکره جاکسون با دولت ایران

بروز ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ همزمان با استقرار هیات مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران در ساختمان مرکزی دولت، در خرمشهر، از طرف شرکت سابق خلع ید شده، هیاتی به ریاست جاکسن که در آن زمان معاون هیات مدیره شرکت بود برای مذاکره با دولت ایران وارد تهران شد. دو روز بعد سفیر کبیر انگلیس در تهران، طی مصاحبه کوتاهی با خبرنگاران خارجی در محل سفارت اظهار داشت: «... هر چند دولت ایران خود را مسئول مال و جان اتباع خارجی در ایران می داند، معینا برای جلوگیری از حوادث غیرمترقبه، اقدامات احتیاطی به عمل آورده ایم، فعلا در آبهای اطراف خلیج فارس، سه رزمناو و یک ناوشکن انگلیسی متوقف هستند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مصاحبه مطبوعاتی سفیر انگلیس با خبرنگار جراید خارجی، اسناد نفت، انتشارات راستین. صفحه ۱۲۸.

در روز ۲۲ خرداد ، هیات مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران ، طی آگهی به کلیه خریداران مواد نفتی اطلاع داد که می توانند به مدت یک ماه ، مواد نفتی مورد نیاز خود را با دادن رسید به شرکت ملی نفت ایران ، دریافت کنند و قیمت آن را به نرخ بین المللی پردازند ، ولی شرکت سابق حاضر به قبول این نوع معامله نشد .

جاکسن رئیس هیات نمایندگی اعزامی شرکت سابق ، در نخستین روز ورود به تهران ، ضمن مصاحبه با خبرنگاران جراید ، آمادگی شرکت را به شناسایی « نوعی ملی شدن » که شرکت نیز در آن محلی داشته باشد و برقراری سیستم « پنجاه - پنجاه » اعلام کرد و افزود : در غیر اینصورت کارشناسان و کارکنان خارجی شرکت ، ایران را ترک خواهند کرد .

جاکسن در مذاکره با دکتر مصدق نیز ، موضوع « نوعی ملی شدن » را عنوان کرد ولی دکتر مصدق در پاسخ ایشان خاطرنشان ساخت که فقط یک نوع ملی شدن وجود دارد و آن ، نوعی واقعی آن است .

جاکسن طی سه جلسه مذاکره با هیات نمایندگی ایران شامل وارسته - دکتر سنجانی - یوسف مشار - دکتر شایگان - مهندس حسینی ، پیشنهادی مطرح کرد که به هیچ وجه با قانون ملی شدن نفت تطبیق نمی کرد ، در نتیجه مذاکرات قطع شد و وساطت « دکتر گریدی » سفیر آمریکا برای ادامه مذاکره مورد قبول دکتر مصدق قرار نگرفت .

پیام مهم دکتر مصدق به ملت ایران

عصر روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ دکتر مصدق ضمن پیامی خطاب به ملت ایران که از رادیو تهران پخش شد چنین گفت: «... از روز اول زمامداری، تمام سعی و مجاهدت این جانب بر سر حل مسئله مسالمت آمیز قضیه نفت معطوف شد و در تمام مکاتبات و مذاکرات با نمایندگان و وابستگان کمپانی سابق مکرر تذکر دادم که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت ایران برای این است که ملت ایران از یک طرف بندهای سیاسی را از گردن خود بردارد و از طرف دیگر بر فقر و بدبختی غلبه کند. آنچه توانستیم، تسهیلات فراهم آوردیم و طرق حل مشکلات را پیش بینی کردیم و دست خریداران سابق نفت را برای خرید آن باز گذاشتیم و موافقت کردیم، آنان همچنان گردش چرخ صنایع مملکت خویش را با نفت خوزستان تامین کنند ولی ناچار بودیم قانون را اجرا کنیم.

شرکت سابق در جواب اخطار خلع ید که از طرف دولت ایران به او ابلاغ شد اظهار داشت که پیشنهادهایی در زمینه قانون ملی شدن صنعت نفت دارد و نمایندگان خود را برای بیان مطلب به تهران اعزام می دارد. دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیات و حتی تمدیدی را که خواسته بودند پذیرفت ولی دیشب پس از آنکه پرده از روی پیشنهادهای آنها برداشته شد، معلوم شد که زبان ما را نخواستند بفهمند. من مکرر چه در مجلس و چه در یادداشتها و بیانیه ها و مصاحبه ها اعلام کرده بودم که به هیچ وجه در اجرای قانون که مظهر آرزو و اراده ملت ایران است، نمی توانم قصور و مسامحه بکار برم. گویا نمایندگان شرکت، این حقیقت را نادیده گرفته اند و راه ادامه مذاکره را بر ما بستند ...»

به موازات اجرای خلع ید در خرمشهر از هیات مدیره شرکت سابق نفت انگلیس و ایران ، دیگر تاسیسات و سازمانهای شرکت سابق در تهران و کرمانشاه از متصدیان انگلیسی تحویل گرفته شد .

در تاریخ ۳۰ خرداد ، دولت به منظور حفظ تاسیسات نفتی در برابر خرابکاری ، لایحه ای به عنوان لایحه « خرابکاری » تسلیم مجلس شورای ملی کرد . در این لایحه برای مرتکبین عملیات خرابکاری و تخریبی ، از قبیل قطع لوله های نفت یا تخریب دستگاههای « بنچ » و پالایشگاهها ، مجازاتهای سنگین پیش بینی شده بود .

در این موقع به علت خودداری ناخدایان نفت کشها از بارگیری و دادن رسید به نحوی که هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران مقرر داشته بود ، فعالیت تاسیسات و استخراج و تصفیه نفت محدود شد و منحصر به تامین سوخت و مواد نفتی مورد مصرف داخلی گردید . در نتیجه عملکرد پالایشگاه آبادان به میزان قابل ملاحظه ای تقلیل پیدا کرد<sup>۱</sup> .

### اجرای مرحله دوم خلع ید

عاقبت ، آن رخداد و حادثه مهم تاریخی که انگلیسیها استعمارگر هیچگاه بدان نمی اندیشیدند صورت وقوع یافت و آن پاکسازی کامل شرکت سابق نفت از وجود انگلیسیها پس از نیم قرن تسلط شوم و منحوس آنان بود .

<sup>۱</sup> شخصی که از طرف هیات مدیره به معرفی مرحوم اللهیار صالح مسئول گرفتن رسید از ناخدایان کشتیهای نفت کش خارجی بود ، دکتر کشی افشار رئیس موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران بود که وقتی وضع را چنان دید به تهران بازگشت م .

وقتی انگلیسیهای غارتگر، پس از نیم قرن و اندکی تاراج و یغمای سرشارترین و پردرآمدترین منابع ثروت میهن ما، به این نکته تلخ و دردناک پی بردند که دیگر همه راههای بازگشت اوضاع بصورت نخستین آن و جلوگیری از خلع ید کامل و پاکسازی دستگاههای شرکت نفت مسدود گردیده و هیچ راهی برای تجدید آن روزگاران غارتگری وجود ندارد، ناچار به حکم اجبار تن به قضا دادند و اضطراراً تصمیم گرفتند کلیه کارشناسان و مهندسان و استادکاران خود را از آبادان و مناطق نفت خیز بیرون بکشند.

در روز تاریخی ۱۱ مهر ماه ۱۳۳۰ شمسی به عموم کارشناسان انگلیسی دستور بازگشت به کشورشان داده شد. آن روز در واقع، یک روز به خاطرماندنی و جاودانی در تاریخ کشور ما و تاریخ مبارزات ملت ایران علیه سلطه گری و استعمار شوم بیگانگان محسوب می شد. انگلیسی ها ابتدا در برابر باشگاه «حم خانه» جمع آمدند تا با رزمناو موریشس و سایر رزمناوها و کشتیها که به قصد تهدید و ارباب ایران آمده بودند و هفته ها بود که توپهای مرگبارشان به سوی سینه ما هدفگیری شده بود راهی بندر بصره گردند. بعضی از آنان سگهای خود را همراه آورده بودند و برخی نیز ناچار حیوانات وفادار را قبلاً کشته بودند. گروهی نیز راکتهای تنیس و چوگان گلف خویش را به همراه داشتند. بازگشت آنان زیر نظر یکی از مقامات عالیرتبه انگلیسی به نام «کی.بی.راس» رئیس پالایشگاه آبادان صورت گرفت که اصلاً استرالیایی و متخصص زمین شناسی بود و اتفاقاً مرد بانصاف و خوش خلقی بود. انگلیسیها

درحالیکه برای حفظ ظاهر و پرستیژ خود در کنار عرشه ناو جمع شده بودند ، همراه با موزیک شروع به خواندن سرودهای معروف انگلیسی نمودند .

### تهدیدهای نظامی و قضایی انگلیس علیه ایران

انگلیسیها در جریان قضیه ملی شدن نفت ، همواره سخن از این مبحث می راندند که شرکت نفت جنوب ، یک شرکت خصوصی داخلی است و ارتباطی با دولت انگلیس ندارد ولی اسناد و مدارک غیرقابل انکار خلاف این ادعا را به اثبات می رسانید . و اینکه قسمت اعظم نفتهای استخراجی از ایران به مصرف سوخت نیروی دریایی و شرکتهای کشتیرانی انگلستان می رسید که اساس زندگی و حیات بریتانیای کبیر مرهون و مدیون فعالیت ناوگانش در سراسر آبها و اقیانوسهای کره زمین بود .

به هر حال با قطع مذاکرات مربوط به نفت و عزیمت هیات جاکسون که رویای بازگشت به اوضاع نفت جنوب بصورت اولیه را داشت ، انگلیسیها که دریافته بودند ، حل مسئله نفت به نحوی که مورد نظر ایشان است از طریق مذاکره با دولت دکتر مصدق به جایی نخواهد رسید ، راه دیگری را برگزیدند که اول جنبه قضایی داشت و مربوط می شد به اقامه دعوی علیه ایران در دیوان دادگستری بین المللی ، دوم توسل به حربه تهدید و زور یعنی راه حل نظامی که البته قبلا برای این منظور تعداد چهار هزار نفر چتر باز در جزیره قبرس پیاده کرده و آماده کارزار کرده بودند ولی دولت آمریکا ، انگلیسیها را از هرگونه عملیات تامینی بوسیله قوای نظامی ،

تعدادی از ناوگان جنگی خود را که پیشاپیش آنها ناو جنگی موریشس قرار داشت در میان اروندرود و در برابر بندر آبادان مستقر ساخته بود که لوله های توپ و آتشبارهای آن را متوجه بندر آبادان و پالایشگاه نفت آن شهر کرده بود. البته دولت ایران در مقابل ناوگان جنگی انگلیس، چند ناو کوچک جنگی داشت که مهمترین آنها ناو جنگی «پلنگ» به فرماندهی ناخدا «دبیرعلایی» بود که این ناو درست در برابر ناو موریشس مستقر شده بود. درست در همین هنگام دولت انگلیس در پایگاههای مجاور در خلیج فارس، فرمان آماده باش داد و چند روز دیگر تعداد دیگری ناو جنگی به آبهای ایران وارد نمود. دولت انگلیس در تعقیب درخواست خود که در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۳۰ به عنوان اقامه دعوی علیه ایران به دیوان دادگستری بین الملل تسلیم کرده بود، در تاریخ ۳ تیرماه تقاضایی مبنی بر اقدامات تامینی از طرف دیوان بین المللی تسلیم کرده بود. در این تقاضا خواسته شده بود که دولت ایران از هر نوع اقدام قضائی، قانون و اجرایی علیه عملیات شرکت نفت جنوب و فعالیت کارکنان آن تا صدور رای دیوان خودداری کند.

براساس مدارکی که در ابتدای سال ۱۹۸۲ یعنی سی سال پس از خلع ید از شرکت انتشار یافت، آشکار شد که دولت کارگری بریتانیا در سال ۱۹۵۱ به هنگام اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران و خلع ید از شرکت غاصب نفت، قصد اشغال نظامی آبادان و تاسیسات نفت آن ناحیه را داشته است و هیات وزرای انگلستان به ریاست «اتلی» طی چند جلسه درباره عملیات نظامی بحث و تبادل نظر به عمل آورده اند. نام رمز عملیات «دزد دریایی»

بود و برای حمله به ایران و اشغال سریع تاسیسات نفت ، سه گردان انگلیسی از پایگاه « تریپولی » لیبی در نظر گرفته شده بود ولی پیش از شروع عملیات ، دولت آمریکا ، اقدام انگلستان را تایید نکرد و لندن را از حمله مسلحانه به خاک ایران برحذر داشت . استدلال

آمریکایی ها در مخالفت با حمله به ایران این بود که تجاوز به ایران ، به شوروی ها بهانه خواهد داد که آنها نیز در شمال ایران نیرو پیاده کنند و آمریکا را درگیر مشکل تازه ای گردانند

چون انگلیسیها نام رمز عملیات جنگی خود علیه ایران را « دزد دریایی » گذاشته بودند ، در اینجا ناگزیر باید به این حادثه اشاره کرد که پس از خلع ید و عدم فروش نفت ایران ، دولت

انگلیس برای ترساندن کشورهای منطقه و حتی ممالک اروپایی دست به یک دزدی دریایی زد ، به این کیفیت که در بهمن ماه ۱۳۳۱ ، یک نفر ایتالیایی به نام « کنت دولازنکا » که شرکتی به

نام « اپیم » را تاسیس کرده بود ، پیشنهاد نمود که آماده است چهارصد هزار تن نفت خام در سال ۱۹۵۲ و سالی دو میلیون به مدت ده سال از ایران خریداری نماید . معامله در خرداد ماه

سرگرفت و کشتی کوچکی به نام « رزماری » از بندر معشور به معامله ای در حد ۶۰۰ تن نفت خام به ایتالیا رهسپار شد . پس از سه هفته کشتی رزماری مسیر کانال سوئز را ترک نموده

و رهسپار بندر « عدن » واقع در یمن جنوبی که از مستعمرات انگلیس به شمار می رفت گردید و به درخواست شرکت نفت انگلیس محموله آن در ۱۷ ماه می توقیف گردید .

<sup>۱</sup> باید گفت که استدلال آمریکایی ها درست بوده و دولت شوروی به موجب قرارداد ۱۹۲۱ این حق را برای خود حفظ کرده بود که اگر کشور ثالثی نیرو به خاک ایران پیاده کند ، دولت شوروی نیز حق دارد قوای نظامی وارد این کشور کند .

در ابتدای امر تصور می شد که خود کنت « دولازنکا » در این توطئه شرکت داشته اما بعد آشکار گردید که به دستور مالک کشتی و بر اثر تهدید و تطمیع شرکت نفت انگلیس قرارداد کرایه کشتی را مالک کشتی به آن شرکت انتقال داده و کاپیتان کشتی که می بایست به دستور کنت مالک محموله عمل کند ، متعاقب تهدید نیروی هوایی انگلیس برحسب دستور شرکت نامبرده ، آن را به عدن برده و دادگاه عدن در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۵۳ رای به نفع شرکت نفت انگلیس صادر کرده و محموله کشتی در اختیار شرکت سابق قرار گرفته است . شرکت اپیم کشتی دیگری به نام « پاکس » به ایران فرستاد آن هم محموله ای از نفت ملی شده را بار کرد و به مقصد بندر ونیز حرکت نمود ولی همزمان قرارداد با کنت دولازنکا فسخ گردید !

هنگامی که عملیات تهدیدآمیز انگلیسیها در برابر آبادان و خرمشهر به اوج خود رسید ، هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت در آبادان تصمیم به یک سلسله اقدامات نظامی متقابل گرفت . بدین معنی که سربازان مستقر در آبادان پس از مسدود کردن خیابانهای شهر ، ترتیب سان و رژه عظیمی را می دهند که سخت اسباب نگرانی و وحشت انگلیسیها می شود . مقامات انگلیسی بازمانده در آبادان از این جهت دستخوش ترس و بیم شده بودند که مبادا سان و رژه نیروهای نظامی ایران در آن شهر ، احساسات ملی و خشم و هیجان ایرانیان را برانگیخته و تحت تاثیر هیجانات آنی به مهندسان و کارشناسان فنی انگلیس که همچنان در موسسات مختلف شرکت ملی نفت مشغول کار بودند حمله آورند . به همین علت ، سفیر انگلیس در تهران از مصدق وقت ملاقات خواسته به شتاب خود را به خانه ایشان می رساند و در حال

پیشانی و آشفتگی از مصدق خواهش می کند تا به منظور جلوگیری از حوادث ناگوار احتمالی، دستور دهند که مانور نظامی قوای ایران در آبادان متوقف شود. دکتر مصدق نیز که از نخستین روز خلع ید، به هیات و همراهان آن موکدا توصیه کرده بود که می باید امر خلع ید بی آنکه از دماغ کسی خونی بریزد، انجام شود و حتی از حمله و اهانت به انگلیسیهایی که در آبادان موقتا خدمت می کنند، خودداری نمایند. به عجله تلگرافی به هیات مختلط و استاندار خوزستان دستور داد که فعلا مانور را متوقف گردانند و هیات مختلط نیز بلافاصله از دکتر مصدق تقاضا کرد که به سفیر انگلیس گوشزد نمایند، با اقدامات سیاسی مانع ادامه مانور ناوگان انگلیس در اروندرود، در برابر جزیره آبادان شوند. پس چنین کارهایی صورت گرفت و انگلیسیها دیگر از تهدید و ارباب ایرانیان دست بازداشتند.

#### مامور ایرانی که همراه هیات خلع ید امور شرکت ملی نفت را در دست گرفتند

همراه با هیات خلع ید، عده ای از متخصصین فنی، مالی، اداری به آبادان آمدند تا امور شرکت ملی نفت را بگردانند. اینها قسمتی از دستگاههای اداری و فنی را موقتا از انگلیسیهایی که در شرکت نفت به خدمت خود ادامه می دادند تحویل گرفتند. از جمله این افراد، آقایان: مهندس طاهر ضیائی، خردجو، دکتر کشی افشار، مهندس مقدم، سرتیپ تقی ریاحی و نگارنده بودند. مهندس ضیائی امور اداری شرکت را زیر نظر هیات مدیره موقت عهده دار شد. خردجو ریاست امور حسابداری و مالی شرکت را داشت و مهندس مقدم کارهای کشتی رانی

شرکت را که متشکل از امور ناخدایان کشتیهای نفت کش بود و همچنین سر تپ محمد تقی ریاحی به عنوان رئیس حمل و نقل شرکت آمده بود و مدتی این کار را بعهدده داشت . بعدا دکتر رضا فلاح که از سرسپردگان انگلستان بود از ریاست پالایشگاه آبادان کنار گذاشته شد و تقی ریاحی به جای او به این کار مهم گماشته شد . وی متاسفانه عنصری ضعیف و بی کفایت بود که آقای مهندس حق شناس و مهندس زیرک زاده از رهبران حزب ایران به هیات مدیره تحمیل کرده بودند و وی همان کسی بود که باز هم بر اثر توصیه حق شناس و زیرک زاده که با ریاحی در تهران هم منزل بودند به ریاست ارتش منصوب شد . و چون ریاحی یک نفر مهندس « پولی تکنیسین » بود و نه تعلیمات نظامی و سربازی دیده بود و نه در صف خدمت کرده بود و به قول حسن مکی حتی یک گلوله هم خالی نکرده بود اصولا از کارهایی که در ستاد ارتش و لشکرها می گذشت بی اطلاع می ماند . چنانچه در صبح روز ۲۸ مرداد کوچکترین آگاهی از توطئه کودتا نداشت و به اصطلاح « توگویی نه خانی آمده نه خانی رفته است ! » ساعتها طول کشید تا مصدق او را در شمیران در خانه دخترش گیر آورد و موضوع کودتا را از وی پرسید . اما جواب شنید که چنین خبری نیست و الی آخر قضیه !!

اختلاف بازرگان و حسین مکی

و قهر مکی از شرکت ملی نفت

یکی از عمده ترین مشکلات و مسائل در آبادان به هنگام اداره تاسیسات حساس و عظیم نفت و خاصه دستگاه مهم پالایشگاه و اداره ( بنچ ) های تصفیه ، اختلافاتی بود که گاه و بیگاه میان حسین مکی نماینده مجلس و عضو موثر هیات مختلط و مهندس مهدی بازرگان ، مدیر عامل و رئیس هیات مدیره موقت شرکت ملی نفت بروز می کرد .

این اختلافات عمدتاً بر سر بعضی انتصابات و گماردن برخی افراد بر سر مشاغل حساس شرکت بود که اعضای هیات مدیره و هیات مختلط با کوششها و مساعی جمیله خودشان آن اختلاف را رفع کردند . ولی حادثترین این اختلافات وقتی بروز کرد که بازرگان با موافقت هیات مدیره موقت ، دکتر رضا فلاح را به ریاست پالایشگاه منصوب کرد . حسین مکی به این

انتصاب به شدت اعتراض کرد و وقتی اعتراضش به جایی نرسید از شرکت نفت به حالت قههر بیرون آمده و روانه تهران شد . هنوز چند روز از این قهر و اختلاف نگذشته بود که علی رغم نامه های متبادله فیما بین بازرگان و مکی ، نامه ای از طرف آقای مکی که در آن جزئیات اختلافات میان آن دو نفر بود و مضمونش حمله شدید به بازرگان بود در روزنامه خبرهای روز به چاپ رسید . و بازرگان متعاقب درج آن نامه بالاخره دکتر فلاح را که گفته می شد از

سرسپردگان انگلیسیها در نفت جنوب بود و حتی نشان ملکه ویکتوریا هم از مدیران انگلیسی شرکت سابق گرفته بود از پست ریاست پالایشگاه برداشت و به جای او سرتیپ محمدتقی ریاحی را که قبلاً رئیس اداره حمل و نقل بود به ریاست پالایشگاه منصوب نمود . و متأسفانه

این مرد بسیار ضعیف و بی اراده ، نفهمیده و نسنجیده اکثر وابستگان ایرانی منسوب به انگلیسیها را در راس اغلب مشاغل مهم پالایشگاه نشانند و کار را خرابتر کرد!

### جلوگیری از صدور نفت ایران

#### اظهارات دکتر مصدق در مجلس هفدهم

به هر حال صدور نفت ایران به علت کارشکنی و توطئه چینی شرکت نفت سابق و حمایت کارتل‌های بین المللی نفت از آن شرکت ، کاملاً متوقف شد . منظور از این اقدامات گرفتار ساختن ایران به افلاس و ورشکستگی اقتصادی بود تا در برابر استعمارگران سر فرود آورد . درحالیکه دولت آمریکا چه از نظر ارزی و چه از لحاظ مواد نفتی احتیاجات انگلستان را مرتفع می ساخت .

در این باره دکتر مصدق در نخستین جلسه نمایندگان دوره هفدهم مجلس شورای ملی چنین گفت : « ... ما تصور می کردیم اگر ما به عواید نفت احتیاج داریم دولت انگلستان هم به نفت ما نیازمند است ، چه نفت ما علاوه بر سوخت برای آن در حکم کالایی بود که از انگلستان به ممالک دیگر صادر می شد و به این وسیله از فروش نفت ایران تحصیل ارز می کرد و احتیاجات دیگر خود را از سایر کشورها مرتفع می نمود . ولی متأسفانه دولت انگلیس

احتیاجات خود را به وسیله کمک آمریکا برطرف کرد. یعنی از آمریکا دلار گرفت و نفت مورد احتیاج خود را خریداری کرد و نتیجه این شد که بتواند ما را تحت فشار قرار دهد ... «

پس ناگزیر اقتصاد بدون نفت با یک برنامه روشن و دقیق مورد توجه قرار گرفته و به موقع اجرا گذاشته است.

### اقتصاد بدون نفت

باری پس از آن که دکتر مصدق متوجه این نکته گردید که پس از راهزنی دریایی انگلیسیها و بازداشت کردن نفت کش رزماری که قبلا ذکرش رفت با آن نفوذ و تسلط زیادی که انگلیسیها در جهان دارند، هیچ شرکت و یا دولتی حاضر نیست از ایران نفت خریداری کند تا مگر با این که حيله گری و زور و قلدری ضد انسانی، دولت ایران را از لحاظ اقتصادی به زانو درآورد، لذا تصمیم گرفت از عواید نفت چشم پوشی کرده و اصل معروف « اقتصاد بدون نفت » تشویق صادرات را مورد توجه قرار دهد و چنان که می دانیم این سیاست مدبرانه در نتیجه اجرای صحیح و دلسوزانه متصدیانش به خوبی پیشرفت کرده و با اینکه هزینه های جاری شرکت ملی نفت نیز سربار هزینه های دیگر دولت شده بود، معذالک بر اثر رونق صادرات و فداکاری بازاریان، دولت مصدق از ورشکستگی اقتصادی نجات پیدا کرد و صادرات ایران قوس صعودی را پیمود که تا آن هنگام سابقه نداشت. توضیح بیشتر اینکه اولاً از رشد روند مهاجرت های ویرانگر از روستاها و شهرک های بطرز محسوسی کاسته شد و قشر

فعال و تولیدگر کشاورز در همان روستاهای خود به کارهای فلاحت سنتی خود سرگرم گردید

صدور تولیدات رو به تزاید کشاورزی از جمله : پسته - خشکبار - زردآلو - قیسی - و غیره

، صنایع دستی از قبیل : فرش ، گلیم ، جاجیم ، و نیز محصولات اراضی مباحه و مرتعی و

جنگلی نظیر : انگم ، کتیرا ، شیرین بیان ، بهدانه ، و از همه مهمتر شاخ حیوانات اهلی مذبوحه

به ایجاد و تزاید درآمدهای ملی و دولتی و اشتغالات عمومی کمک موثری کرد و خود به خود

، جلو مهاجرت روزافزون کشاورزان و روستانشینها را به مرکز گرفت .

#### قرضه ملی

یکی از موثرترین و منطقی ترین کارهای حکومت دکتر مصدق به منظور مبارزه با ورشکستگی

اقتصادی و تقویت بنیه مالی و خزانه کشور که حتی دولت قادر نبود سر موقع ، حقوق

کارمندان خود را پرداخت نماید ، انتشار اوراق قرضه ملی بود که در نتیجه همین سیاست مالی

صحیح و درست و استقبالی که مردم از خرید این اوراق کردند ، دولت مصدق توفیق آن را

پیدا کرد که هم حقوق کارکنان ادارات خود را پرداخت نماید و هم وجوه قابل ملاحظه ای

برای هزینه های ضروری در اختیار داشته باشد .

اصلاحات کشاورزی - اقتصادی - مالی - فرهنگی ، دولت مصدق

دولت دکتر مصدق علی رغم مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی و مخالف خوانیهای مغرضانه بدخواهان و دشمنان داخلی که آب به آسیاب دشمنان خارجی و استعماربریتانیا می ریختند، دست به یک سلسله اصلاحات اقتصادی و مالی و فرهنگی زد که هرگاه برنامه ها ادامه می یافت، دگرگونی های اساسی در اوضاع اجتماعی و تعلیماتی و مالی مملکت پدیدار می گردید ولی متاسفانه کارشکنیها و عدم هماهنگی یاریهای بعضی مقامات و عوامل مسئول آن طرحها را در نیمه راه خود باقی گذاشت و مبارزات و اختلافات داخلی مانع آن گشت که کار به سامان و نتایج مطلوب خود برسد.

#### اصلاحات کشاورزی و عمرانی و رفاهی

دکتر مصدق در ۲۲ مرداد ۱۳۳۱ (۱۳ اوت ۱۹۵۲) به عنوان نخستین اقدام در استفاده از اختیارات فوق العاده، لایحه ای را تصویب کرد که به موجب آن، عوارض مالکانه در روستاها و بیگاری رعایا ملغی گردید؛<sup>۱</sup>

یک هفته بعد لایحه دیگری تصویب کرد که براساس آن، وزارت دارایی اجازه یافت اراضی دولتی را برای تامین مسکن ارزان قیمت در اختیار مردم بگذارد. در همان ماه، دولت اعلام کرد که احتکار قند و شکر که از کالاهای ضروری مردم است، غیرقانونی است و کالاهای مزبور در صورت کشف، بلافاصله ضبط خواهد شد بصورت بلاعوض.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مجموعه قوانین، صفحات ۲۴-۲۵  
<sup>۲</sup> مجموعه قوانین، صفحه ۳۳

در مهرماه همان سال ، مصدق لایحه ای را به تصویب رساند که به موجب آن ، مالکان موظف می شدند ۲۰ درصد از سهم مالکانه را به دولت بدهند که نیمی از آن به کشاورزان مسترد می شد و نیم دیگر صرف عمران روستاها می گردید . امور عمرانی شامل موارد زیر می شد : تهیه آب بهداشتی آشامیدنی ، دفع آفات ، آموزش ، کمک به روستاییان از کارافتاده ، اعطای قرض الحسنه ، احداث و تعمیر مساجد و حمامهای عمومی و خانه های ارزان قیمت و مدارس و کارخانه های برق ، تشویق صنایع محلی .

در هر یک از دهات هیاتی به نام « شورای ده » مرکب از پنج عضو اصلی انتخاب می شد . اعضای این شورا عبارت بودند از یک نماینده مالک یا مالکان ، کدخدای ده ، که طبق قانون انتخاب شده باشد ، سه نفر از معتمدین محلی به انتخاب کشاورزان آن قریه <sup>۱</sup> .

در ۲۴ نوامبر ۱۹۵۲ ( ۳ آذر ۱۳۳۱ ) مصدق برای تامین هزینه های لازم برای کمک به مستمندان و بیکاران ، بر بنزین مصرفی کشور ، عوارض وضع کرد <sup>۲</sup> .

در ژانویه ۱۹۵۳ ( دی ۱۳۳۱ ) به موجب لایحه تعدیل اجاره بها، ده درصد از مال الاجاره کلیه مستغلاتی که میزان اجاره بهای آنها در ماه بیش از سه هزار ریال باشد ، از طرف موجرین به نفع مستاجرین کاهش داده شد . در همان حال مالیات مستغلات مزبور ، ده درصد افزایش یافت و درآمد حاصله در اختیار بانک ساختمانی گذاشته شد تا به مصرف ساختن مسکن و خانه های ارزان قیمت در اراضی دولتی برسد .

<sup>۱</sup> مجموعه قوانین ، صفحات ۶۷-۶۰  
<sup>۲</sup> مجموعه قوانین ، صفحه ۱۱۵

ساختمانهای مزبور با شرایط مناسب و اقساط طولیل المدت به کسانی که استحقاق داشتند واگذار و یا اجاره داده می شد.

### قانون بیمه های اجتماعی کارگران

قانون بیمه های اجتماعی کارگران که دکتر مصدق در اول بهمن ۱۳۳۱ تصویب کرد ، شامل ماده بسیار جامع و مترقی بود و اقدام مهمی در جهت رفاه کارگران به شمار می رفت .<sup>۱</sup> براساس این قانون ، کلیه کارخانه ها و بنگاههای مشمول قانون کار موظف بودند ، کارگران خود را نزد سازمان بیمه های اجتماعی کارگران ، بیمه کنند .

طبق این لایحه قانونی ، کارگران و خانواده های بلافصل آنان در موارد زیر بیمه می شدند : حوادث و بیماری و از کارافتادگی ناشی از کار ، ازدواج ، حاملگی ، وضع حمل ، عائله مندی ، بازنشستگی ، کفن و دفن ، کمک به بازماندگان کارگر متوفی ، بیکاری . کارگران می بایست پیش از استخدام از لحاظ پزشکی معاینه شوند و سازمان بیمه های اجتماعی مکلف بود ، همه کارگران مزبور را هر دو سال یکبار معاینه و در صورت بیماری معالجه نماید .

توسعه اقتصادی

<sup>۱</sup> مجموعه قوانین ، صفحات ۳۵-۵۶

می دانیم که وضع اقتصادی و مالی حکومت مصدق به علت قطع درآمد نفت دچار بحران و تضییقات عدیده بود و از دکتر مصدق غالباً انتقاد می شد که ایران را در آستانه ورشکستگی اقتصادی قرار داده است .

تردیدی نیست که ملی شدن صنعت نفت و عدم تمایل انگلستان به حل مسألت آمیز این مسئله موجب قطع اصلی تامین ارز خارجی کشور و کاهش درآمدهای دولت گردید . با اینهمه ، این نکته را نیز باید در نظر گرفت که حتی پیش از زمامداری مصدق نیز اقتصاد کشور در وضع نابسامانی به سر می برد .

برای مدتهای طولانی به مردم ایران گفته شده بود که برنامه هفت ساله اول برای توسعه اقتصادی ایران که به کمک شرکت مشاورین ماوراءبحار آمریکایی طرح شده بود راه حل کلیه مشکلات اقتصادی ایران است و تنها دولت رزم آرا توان و اراده سیاسی لازم برای اجرای آن را داراست اما در ۸ ژانویه ۱۹۵۱ ( ۱۸ دیماه ۱۳۲۹ ) یعنی پنج ماه قبل از زمامداری مصدق ، اعلام شد که قرارداد با موسسه مزبور لغو شده است .

شرکت مشاورین ماوراءبحار ، طی انتشار بیانیه ای اعلام داشت که به علت دخالتهای سیاسی ایرانیان ، برنامه مزبور از همان ابتدای کار محکوم به شکست بود . یک ماه قبل از آنکه دکتر مصدق به نخست وزیری منصوب گردد ، اوضاع اقتصادی دولت چنان بد شد که مجلس از بانک ملی درخواست کرد برای پرداخت حقوق کارمندان دولت و ارتشیان ، کلیه اسکناسهای ۵۰۰ و ۱۰۰۰ ریالی را جمع آوری کند .

همچنین در مجلس گفتگوهایی به منظور اخذ تصمیماتی در جهت مقابله با بحران مالی صورت گرفت .

مصدق در ۲۰ اکتبر ۱۹۵۲ ( ۲۸ مهر ۱۳۳۱ ) لایحه قانونی ، برنامه پنج ساله راه سازی را

تصویب کرد که بر مبنای آن برنامه ای برای نگاهداری و تکمیل و آسفالت جاده های موجود

کشور و احداث جاده های جدید ارائه گردید .<sup>۱</sup> در ۳۰ اکتبر نیز لایحه لیمه خسارت شخص

ثالث ناشی از وسائط نقلیه موتوری را تصویب کرد .

تصویب اساسنامه « شرکت ملی نفت ایران » برای اداره امور صنعت نفت کشور در ۲۶ نوامبر (

۵ آذر ) از جمله اقدامات مهم مصدق به شمار می رفت . در این اساسنامه خط مشی مصدق

در مورد دو نکته مهم ، یعنی نقش مجلس در حکومت و وضع اتباع بیگانه در کشور روشن می

شد .

در نوامبر ۱۹۵۲ ( ۵ آذر ۱۳۳۱ ) هیات نظارت صنعتی ، به منظور حسن اداره و توسعه و

حمایت صنایع کشور به ریاست وزیر اقتصاد ملی تشکیل شد . اعضای این هیات عبارت بودند

از : وزیر اقتصاد ملی و یا قائم مقام او و نمایندگان وزارت کار و سازمان برنامه و بانک ملی و

یک نفر مطلع در امور صنعتی .

در شهرستانها نیز هیاتهای نظارت صنعتی تشکیل گردید . وظیفه هیاتهای مزبور ، نظارت بر

اوضاع فنی و مالی و اداره بهره برداری از کارخانه ها و کارگاهها و حمایت و راهنمایی آنها در

<sup>۱</sup> مجموعه قوانین ، صفحات ۸۱-۸۰

مسائل مزبور بود . کمک فنی یا اقتصادی و اعطای وام از طرف دولت فقط به کارخانه ها و

کارگاههایی اعطا می شد که به تایید هیات نظارت صنعتی رسیده باشد .

یک ماه بعد ، مصدق لایحه قانونی اکتشاف و بهره برداری معادن و برقراری روش واحد در

استفاده از ذخایر معدنی را تصویب کرد . براساس این لایحه ، شورای عالی معادن به منظور

تعیین خط مشی و نظارت بر اجرای مفاد قانونی معادن تشکیل می شد .

با تعطیل صنعت نفت و قطع درآمد آن ، مصدق برنامه اقتصاد بدون نفت را در پیش گرفت و

در ۲۰ ژانویه ۱۹۵۳ ( ۳۰ دیماه ۱۳۳۱ ) به عنوان بخشی از برنامه مزبور ، قانون مهم تشویق

صادرات و تولیدات را به تصویب رسانید . به موجب این قانون صادرکنندگان کالا از پرداخت

عوارض داخلی و مالیات بر درآمد معاف می شدند .

پس از چندی به منظور تشویق صادرات نیز ، بانک توسعه صادرات تاسیس شد تا انواع

کالاهای صادراتی را با استانداردهای بین المللی تطبیق بدهد و در مورد بازارهای فروش

خارجی ، صادرکنندگان را راهنمایی کند .

#### اصلاحات مالی

قطع درآمدهای حاصله از نفت ، نه تنها بر میزان اندوخته ارزی ایران اثر گذاشت ، بلکه عواید

دولت را نیز کاهش داد . دولت سعی کرد با تسویه حساب مالیاتهای معوقه و اصلاح قوانین

موجود و تاکید بر وظایف ماموران وصول مالیات در قبال مودیان ، بر درآمد دولت بیفزاید . از

این جهت دکتر مصدق در ۲۱ اوت ۱۹۵۲ (اول شهریور ۱۳۳۱) لایحه قانونی جدید برای تسویه حسابهای معوقه مالیاتی تصویب کرد.

به دنبال آن، لایحه دیگری نیز برای مجازات ماموران وصول که از تسلیم مفاصا حساب به مودیان مالیاتی استنکاف می کردند به تصویب رسید.<sup>۱</sup> و بدین ترتیب، برای مسدود کردن یکی از مجاری فساد اقدام شد. طبق قانون جدید مالیات بر اراضی که در ۲ دسامبر (۱۲ آذر) به تصویب رسید، مالیات سالانه ای معادل سه درصد ارزش به اراضی داخل شهرها که بیش از مقدار معینی مساحت داشتند تعلق می گرفت.

### آموزش و پرورش

یکی از مواد نه گانه برنامه مصدق، بهبود نظام آموزشی کشور بود. مصدق در ۸ ژانویه ۱۹۵۳ (۱۸ دیماه ۱۳۳۱) به منظور نظارت بر کلیه شئون آموزش کشور و اصلاح و توسعه فرهنگ و تعمیم آموزش و پرورش، قانون تشکیل شورای عالی فرهنگ را تصویب کرد. ترکیب شورای مزبور عبارت بود از: وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران و مدیر کل فنی وزارت فرهنگ. با وجود این، به منظور دخالت دادن قوه مقننه در این امر مهم، رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی نیز در آن شرکت داشت. ضمناً به عنوان نشانه ای از احترام به مذهب نیز

<sup>۱</sup> مجموعه قوانین، صفحات ۳۳-۳۲

، یک مجتهد جامع الشرایط به انتخاب یکی از مراجع تقلید مقیم ایران عضویت این شورا را عهده دار بود . عده ای دیگر از اعضای این شورا نیز توسط صنفهای فرهنگی انتخاب می شدند . سه نفر از اساتید دانشگاه به انتخاب شورای دانشگاه ، یک نفر پزشک به انتخاب پزشکان تهران ، یک مهندس به انتخاب مهندسان تهران ، یک قاضی به انتاب هیات عمومی « دیوان عالی کشور » ، سه نفر از دبیران پایتخت به انتخاب نمایندگان دبیران و بالاخره دو تن از آموزگاران پایتخت به انتخاب آموزگاران .

این شورای عالی نیز همانند هیئت مدیره ی شرکت ملی نفت می توانست اتباع بیگانه را به عضویت خود بپذیرد . در این لایحه آمده بود که با پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب شورا ، ممکن است بعضی از خاورشناسان یا استادان تعلیم و تربیت بیگانه به عنوان عضو افتخاری شورای عالی فرهنگ ایران انتخاب شوند .

این کار نشانه دیگری است از اینکه مصدق دشمن بیگانگان نبود ، بلکه وطن پرستی بود که قصد داشت کشور خود را از سلطه بیگانه به سوی رشد و تعالی سوق دهد .

در دوران حکومت دوسال و چند ماهه مصدق با اتخاذ صرفه جویی ها و یک سلسله روشهای عاقلانه اقتصادی غیر سخاوتمندانه بی اساس و جلوگیری از بعضی ریخت و پاشها ، هزینه و درآمد کشور متعادل گردید و این کاری بود که برای نخستین بار در دولت نهضت ملی جلوه گر گردید .

## پایان مصدق

مصدق ناراحتیهایی در ناحیه دهان و فک فوقانی خود احساس می کرد ، در بیمارستان پس از شستشوی سینوس سمت راست ، زمینه سرطانی در آن ناحیه تشخیص داده شد و چون احتیاجی به ادامه اقامت در بیمارستان نبود به منزل غلامحسین مصدق فرزندش در تهران انتقال یافت . دیری نپایید که به علت خونریزی شدید داخلی در روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ در ساعت ۷ صبح هموطنان حق شناس خود را برای همیشه ترک گفت و به ابدیت شتافت .

مصدق حاضر نبود حتی برای معالجه و مداوای قطعی خود یک ساعت هم خاک وطن را ترک گوید . فرزندانش ( مهندس احمد و دکتر غلامحسین مصدق ) بدون اجازه پدر کوشش کردند تا وسایل مسافرت او را به خارج از ایران فراهم کنند ولی هیچگاه موفق به جلب موافقت حکومت وقت نشدند .

هنگامی که مصدق از اقدامات فرزندانش برای معالجه در خارج آگاه گردید و متوجه شد که می خواهند از دیار غرب پزشکان متخصص بر بالینش حاضر کنند ، با خشم و عصبانیت گفت : « لعنت و نفرین بر من و هر کسی که در این زمان ، خرج چندین خانواده این ملت فقیر را صرف آوردن پزشک از خارجه بنماید . من ، خاک پای این ملت . »

جنازه مصدق در روستای احمدآباد مدفون گردید .

## وصیت دکتر مصدق در آخرین لحظات حیات

« من وصیت می کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای سی ام تیر دفنند ، دفن نمایند . »